

Literary Aesthetics of Hadith and its Style and Context in the Sciences of Hadith

Abstract :

Existence of damage in the hadith causes misunderstanding or deprivation of its correct understanding; Therefore, recognizing pests and dressing them is no less important than recognizing the conditions and applying the context. Since a slight change in the letters and words will make it difficult to understand the main purpose of the Infallible PBUH and will prevent us from reaching a correct and acceptable meaning, it is very important to pay attention to the phenomenon of correction; So much so that sometimes the meaning of the hadith changes due to a very small correction and the back and forth of a word or its omission. Some elders have referred to the phenomenon of distortion and correction and believe that less narration of this problem has survived. Thus, the study of the plague of tashahhud in the narrations, in order to get acquainted with the quality of interaction with the tashahhud hadiths and finally their correct understanding, is necessary. This research deals with the pathology of correction and distortion in the interpretive and narrative sources of the two parties. . In this study, the researcher explains and analyzes the pathology of correcting and distorting the narrations reflected in Shiite and Sunni interpretations in four areas: the flow of hadith damage in narrative and interpretive sources, the pathology of correcting and distorting, and examining its motives and factors in narrations. Fariqin discusses the ways of recognizing correction and distortion in narrative sources, examining the consequences and consequences of correction and distortion in narrative sources and recognizing the ways out of this dilemma. The main purpose of the research was to be aware of the weaknesses and sometimes strengths of important hadith sources and interpretation of Shiite narration. Classification, explanation and analysis of the issues of correction and distortion of interpretive narrations that have been related to the subject of research.

Keywords: Correction, distortion, interpretive sources, narrative sources, misunderstanding of narrators

زیبایی‌شناسی ادبی حدیث و سبک و سیاق آن در علوم حدیث

حمید رضا رحمتی^۱

علی حسین احتشامی^۲

سید حمید حسینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

چکیده:

وجود آسیب در حدیث، سخت فهمی یا محرومیت از فهم درست آن را باعث می‌شود؛ از این رو، شناخت آفات و پیراستن آنها، کم‌اهمیت‌تر از شناخت شرایط و به‌کارگیری زمینه‌ها نیست. از آنجا که اندک تغییر در حروف و کلمات، فهم مقصود اصلی معصوم علیه‌السلام را مشکل خواهد ساخت و ما را در رسیدن به معنایی درست و مقبول ناکام می‌گذارد، توجه به پدیده‌ی تصحیف، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ تا آنجا که گاهی بر اثر تصحیف خیلی کوچک و پس و پیش شدن یک واو یا از قلم افتادن آن، معنای حدیث تغییر می‌کند. برخی از بزرگان درباره‌ی پدیده‌ی تحریف و تصحیف، به فراوانی آن اشاره کرده‌اند و بر این باورند که کمتر روایتی از این مشکل در امان مانده است. بدین ترتیب، بررسی آفت تصحیف در روایات، برای آشنایی با کیفیت تعامل با احادیث تصحیف شده و در نهایت فهم درست آنها ضروری می‌نماید. این پژوهش به آسیب‌شناسی تصحیف و تحریف در منابع تفسیری و روایی فریقین می‌پردازد. پژوهشگر در این پژوهش به تبیین و تحلیل آسیب‌شناسانه تصحیف و تحریف روایات انعکاس یافته در تفاسیر شیعه و سنی در چهار حیطه جریان‌شناسی آسیب‌های حدیثی در منابع روایی و تفسیری، آسیب‌شناسی تصحیف و تحریف و بررسی انگیزه‌ها و عوامل ورود آن در روایات فریقین، راه‌های شناخت تصحیف و تحریف در منابع روایی، بررسی عواقب و پیامدهای تصحیف و تحریف در منابع روایی و شناخت راه‌های برون‌رفت از این معضل می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق عبارت بوده از: آگاهی از نقاط ضعف و بعضاً نقاط قوت منابع مهم حدیثی و تفسیری شیعی. روش تحقیق حاضر روش تحلیلی کتابخانه‌ای و متکی بر ابزار فیش برداری بوده است و پژوهشگر با عنایت به تفاسیر روایی فریقین به استخراج، طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل مباحث تصحیف و تحریف روایات تفسیری که مرتبط با موضوع پژوهش بوده‌اند پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تصحیف، تحریف، منابع تفسیری، منابع روایی، کج فهمی محدثان

دانشجوی دکتری، گروه الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.^۱

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)^۲

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.^۳

از آفات برجسته متن و سند حدیث، تصحیف به معنای خطای در صحیفه (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۹۰) و تحریف است و به این نوع حدیث «مصحّف» و «محرّف» می گویند. «در اصطلاح حدیث پژوهان، حدیث «مصحّف» حدیثی است که قسمتی از سند یا متن آن به طور سهوی به کلمه یا عبارت مشابه آن تغییر یافته باشد.» (ابوریه، بی تا: ۸۳) این امر گاهی در سند و گاهی در متن رخ می دهد. برخی «محرّف» را به «مصحّف» هم اطلاق نموده اند. (شبیروی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۳۵۴ مدخل تصحیف و تحریف) وی مهم ترین تفاوت بین تصحیف و تحریف را در عمدی بودن در تحریف و سهوی بودن در تصحیف دانسته است (منبع پیشین) ما نیز صرف نظر از بحث های فراوان در این باره،^۱ تفاوت اساسی را در همین نکته می دانیم و از آن جایی که تشخیص عمد از سهو بسیار مشکل می نماید، نمونه های روایی را بدون متهم کردن راوی به عمد، با عنوان تصحیف بیان می کنیم، اگرچه ممکن است ثابت شود مواردی ذیل عنوان تحریف قرار می گیرد. می توان برجسته ترین سبب پدید آمدن تصحیف و تحریف در متن و سند احادیث را به سبب عواملی نظیر دشواری های نخستین نگارش روایات، درست نشنیدن، غفلت و کم دقتی برخی ناقلان، غفلت و کم دقتی برخی کاتبان روایت و بدی خط آنها و دخالت ذهن در خواندن و نوشتن روایت دانست. این تصحیف ها و تحریف ها هرگاه در کلمات برجسته و کلیدی حدیث پدید آمده باشد و عرضه آن بر متون مشابه و نسخه های همانند صورت نگیرد، به برداشت هایی نادرست و دور از واقع می انجامد.

میرداماد گونه های روایت مصحف را محسوس لفظی و معقول معنوی دانسته، هر کدام را در ضمن مثالی شرح داده است.^۲ (محقق داماد، بی تا: ۲۰۷)

بی گمان اهتمام به پدیده تحریف و تصحیف، پیش نیاز فهم و نقد حدی و نخستین گام برای آن است که روشن شود این متن حدیث، به همین گونه از معصوم رسیده یا در نوشتن یا گفتن آن، دگرگونی رخ داده است.^۳ برخی از بزرگان درباره پدیده تحریف و تصحیف، به فراوانی آن اشاره کرده اند و بر این باورند که کمتر روایتی از این مشکل در امان مانده است.^۴ بدین

^۱ - برخی نیز تصحیف را اعم از تحریف دانسته اند، عمده فرق بین آنها را در این می دانند که در تصحیف، تغییر در نقطه کلمات

است، در حالی که شکل حروف می ماند اما اگر شکل باقی نماند و حروف بماند، تصحیف است. (غفاری، ۱۳۶۹: ۴۳)

^۲ - مثل هذا التصحیف كثيرا ما یصدر من النسخ، لعدم معرفتهم بما علیه بناء الخبر. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۱۰۸)

^۳ - هو إما محسوس لفظی، وإما معقول معنوی. والمحسوس اللفظی: إما من تصحیف البصر، أو من تصحیف السمع فی مواد الألفاظ و جواهر الحروف، أو فی صورها الوزنیة و کیفیاتها الإعرابیة و حرکاتها اللزامة. و کل منهما إما فی الإسناد، أو فی المتن

^۴ - اگرچه به طور عام تصحیف در نوشتار صورت می گیرد، اما در مواردی نیز ممکن است در گفتار و شنیدار صورت پذیرد مانند حدیث «عاصم الأحوال» که که تصحیف شده به «واصل الحدب» (صدر، بی تا: ۳۰۶)

^۵ - یکی از مفسران اهل سنت به فراوانی تغییر در روایات اشاره کرده و کمتر اثری را در امان از آن دانسته، می نویسد: فإنه

لا کتاب إلا و قد دخله التصحیف و التحریف و التخییر، إما فی الک یر منه أو فی القلیل. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۱۲۴)

^۶ - و أيضا ربما سقط من الرواية شيء، أو وقع تصحیف، أو تحریف، أو زیادة، أو تقدیم، أو تأخیر، أو غیر ذلت بل وقعت فی کثیر من أخبارنا، كما لا یخفی علی المطلع. (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵: ۱۱۹)

ترتیب، بررسی آفت تصحیف در روایات، برای آشنایی با کیفیت تعامل با احادیث تصحیف شده و در نهایت فهم درست آنها ضروری می نماید.

روایات تفسیری و تفاسیر روایی فریقین و حتی روش‌های تفسیری مفسران قرآن کریم، به آفت‌ها و ضعف‌هایی دچار شده‌اند که شناسایی و پاکسازی آنها از منابع روایی و تفسیری ضرورت دارد.

۲- مبانی نظری

در بحث آسیب‌ها عمدتاً به انواعی از آسیب‌های وارده در تفاسیر روایی مانند: آسیب‌های محتوایی، آسیب‌های روشی و آسیب‌های طریق‌وسند نیز می‌توان اشاره نمود. مع الوصف این تحقیق بر آن است که به حوزه آسیب‌هایی مبانی تفسیری پردازد که در میان این آسیب‌ها به آسیب تصحیف و تحریف و نیز عواقب منفی آن خواهیم پرداخت.

از آنجایی که این مبانی نظری در هر دو حوزه رد و قبول روایات تفسیری و نیز دلالت آنها پیوند دارد لذا پایه‌گذاری هر یک از این مبناها می‌تواند دایره گردآوری حدیث و نیز بهره‌برداری از آن را در عرصه تفسیر روایی گسترش و یا تنگ‌تر کند. برخی از مفسران و محدثان با این تفکر که احادیث معصومین را باید در هر شرایطی پذیرفت ننگریم.

یکی از آفات متن و سند حدیث، تصحیف است و به این نوع حدیث «مصحف» گویند. احتمال راهیابی تصحیف در هر متنی بدیهی است. روایات نیز از این امر مستثنا نیستند. روشن است که اندک تغییر در حرکات، حروف، کلمات و عبارات، فهم مقصود متکلم را با مشکل مواجه خواهد کرد و یا موجب انحراف در فهم آن خواهد شد؛ از این رو، برای فقیهان و محدثان، شناخت احادیث محرف و مصحف ضروری است، گرچه تصحیف شناسی فنی بسیار سخت، پرمخاطره و مهم است که تنها عالمان تیزبین، حاذق و نقادند که سنگینی این بار را به دوش می‌کشند

برخی معاصران این امر را پیش‌نیاز فهم حدیث و اولین گام برای آن معرفی نموده‌اند تا معلوم شود، آیا متن حدیث به همین گونه از معصوم علیه السلام رسیده است یا تصحیفی در کتابت یا در قرائت آن رخ داده است. بزرگانی مانند میرزای قمی رحمه الله از کثرت وقوع تصحیف در روایات یاد کرده‌اند. نویسنده‌ی حدائق نسبت به تهذیب شیخ طوسی رحمه الله می‌گوید: «ما وَقَعَ لَهُ مِنَ التَّحْرِيفِ وَ التَّصْحِيفِ مِمَّا لَا يُعَدُّ وَ لَا يُحْصَى». نیز در جای دیگری می‌نویسد: هر کس به تهذیب شیخ مراجعه کند و در روایات آن دقت ورزد، تصحیف و تحریف موجود در سند و متن اخبار آن را ملاحظه خواهد نمود. کمتر حدیثی از تهذیب پیدا می‌شود که از علت و اختلال در سند یا متن خالی باشد. (طوسی، ۱۴۱۲، ۵۴) و نیز می‌نویسد: «مع أنا رأينا كثيراً ما وَقَعَ فِي أَخْبَارِنَا تَقْدِيمٌ وَ تَأْخِيرٌ وَ سَقَطٌ وَ اشْتِبَاهٌ وَ تحریفٌ وَ تصحیفٌ... إلى غير ذلك». در جای دیگری می‌گوید: «و أيضاً ربما سَقَطَ مِنَ الرِّوَايَةِ شَيْءٌ، أَوْ وَقَعَ تصحیفٌ، أَوْ تحریفٌ، أَوْ زيادَةٌ، أَوْ تقدیمٌ، أَوْ تأخیرٌ، أَوْ غيرُ ذلك بل وقعت في كثيرٍ من أخبارنا، كما لا يخفى على المطلع». از این رو، کثرت تصحیفات، محدثان را بر آن داشته تا برای پیشگیری از تصحیف احتمالی که بیشتر ناخواسته است، در گام نخست به اعجام (نقطه‌گذاری) و شکل (حرکت‌گذاری) دست بزنند و بهترین شیوه‌ی تحمل حدیث را سماع از خود شیخ و یا قرائت کتاب بر او بدانند و نیز شرایطی را برای روایان و ناسخان حدیث، مانند ضابط بودن لازم بشمرند و از دیرباز مقابله‌ی نسخه‌های متعدد حدیثی را مدنظر قرار دهند و درباره‌ی تصحیفات روایات دست به نگارش کتب مستقل بزنند. (طوسی، ۱۴۱۲، ۵۴)

۲-۱- اصطلاحات و مفاهیم کلیدی :

آسیب شناسی: آسیب به معنای زخم، رنج، افت و یا زیان و خسارت و در این تحقیق منظور از آسیب شناسی، شناخت کاستی ها و ضعفهایی است که تفاسیر روایی را دستخوش تغییر ساخته است. (عمید، بی تا، ج ۱، ۴۴).

تفسیر روایی: مقصود از این اصطلاح، بهره گیری از روایت های مقبول و دخالت دادن آنها در فرایند فهم کلام الهی است. آسیب شناسی تفسیر روایی: منظور شناخت کاستی ها و نقاط حساس فرایند کاوش و استنباط تفسیری است. (احتشامی، ۱۳۹۵، ۳۶).

آسیب شناسی مبانی: مهم ترین آسیب های مبانی که موجبات تسری ضعف و نقص در روایات تفسیری شدن عبارتند از: تساهل در گزارش و پذیرش روایات، حجت بخشی به روایات صحابی، ناکارآمد دانستن روایات روایات ضعیف السند و احادیث دیگر فرقه ها، ساده انگاری و تساهل در فهم حدیث. (نصیری، ۱۳۸۳، ۲۴).

۲- تصحیف: در لغت، از صحف گرفته شده است و به معنای خطا کردن در خواندن و نوشتن بر اثر شباهت حروف، تغییر دادن کلمه با کم یا زیاد کردن نقطه های آن است و «مُصَحَّف»، کلمه و یا عبارتی است که هنگام نوشتن یا خواندن تغییر داده شده باشد. در فرهنگنامه های عربی درباره ریشه و معنای تصحیف از خلیل فراهیدی چنین آمده است: «الصَّحْفُ: المصحف؛ وهو الذی یروی الخَطَأَ عن قراءة الصحف بأشباه الحروف». (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۴۴) وقال الراغب الإصفهانی: «التصحیف: قراءة المصحف وروایته علی غیر ما هو؛ لاشتباه حروفه». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۷۶) وقال ابن منظور: الصحیفَةُ: التی یکتب فیها، والجمع صحائفٌ وصُحُفٌ وصُحُفٌ. والمُصَحَّفُ والصَّحْفُ: الذی یروی الخَطَأَ عن قراءة الصحف بأشباه الحروف، مُوَكَّدَةٌ. والتصحیفُ: الخَطَأُ فی الصحیفَةِ. وقال الفیومی: الصحیفَةُ: قطعهُ جلد أو قرطاس کُتِبَ فیهِ، وإذا نُسِبَ إليها قیل: رجل صحفی - بفتحین -، ومعناه: يأخذ العلم منها دون المشایخ ... والتصحیفُ: تغییر اللفظ حتّی یتغیّر المعنی المراد من الموضع، وأصله الخَطَأُ. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۰)

۳- تحریف: تحریف از واژه حرف می باشد و حرف به معنای طرف و جانبی از یک چیز گفته می شود. در منبع لغت عربی در باره اشتقاق این واژه چنین آمده است: کتب ابن منظور فی بیانہ لمعانی مشتقات الجذر «حرف» قائلاً: الحرفُ فی الأصل: الطَّرْفُ والجانبُ، وبه سُمی الحرفُ من حروف الهجاء. وفلان علی حرف من أمره أي ناحیه منه، كأنه ینتظر یتوقع، فإن رأى من ناحیه ما یحبّ وإلّا مال إلى غیرها. وفی التنزیل العزیز: «وَمِنَ النَّاسِ مَن یَعْبُدُ اللَّهَ عَلَی حَرْفٍ»؛ أي إذا لم یر ما یحبّ انقلب علی وجهه، قیل: هو أن یرعبده علی السراء دون الضراء. وحرف عن الشیء یرحرفُ حرفاً وانحرفَ وتحرّفَ واحرورّفَ: عدل. وإذا مال الإنسان عن شیء یقال: تحرّفَ وانحرفَ واحرورّفَ. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۸۶) وتحریف الکلم عن مواضعه: تغییره. والتحریف فی القرآن والکلمة: تغییر الحرف عن معناه والکلمة عن معناها وهی قریبه الشبه، كما كانت الیهود تغیر معانی التوراه بالأشباه، فوصفهم الله بفعلهم، فقال تعالی: «یُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ». (طریحی، ۱۳۷۵، ۳۸۷)

تحریف اعم از تصحیف است و هر گونه تغییر در کلام را شامل می گردد. اما تصحیف تنها قسمی از تحریف است که در آن تغییر واژه از یکسانی یا شباهت لفظی یا کتبی دو کلمه ناشی می شود. به طور کلی، تصحیف را به تصحیف لفظی و تصحیف معنوی تقسیم کرده اند، اما برخی دیگر عنوان تصحیف را برای اشتباهات معنوی مناسب ندیده و به جای آن لفظ «غلط» را پیشنهاد کرده اند. شاید به همین سبب، ابن صلاح استعمال کلمه مصحف را در برخی اقسام آن مجاز دانسته است.

فریقین: در این تحقیق به مفسران شیعه و اهل سنت و نیز هر یک از منابع تفسیری آنها می باشد که البته با توجه به موضوعیت تحقیق بیشتر تفاسیر روایی و روایات تفسیر این دو گروه را منظور می باشد.

ب) تعاریف عملیاتی:

- ۱- آسیب شناسی: در این پژوهش مفهوم آسیب شناسی در محتوای حدیث و از نظر فقه الحدیثی هم در منابع حدیثی شیعه و هم در منابع تفسیری شیعه از نظر کیفی و کمی بررسی می شود بویژه مساله تصحیف در روایات که از دیدگاه علماء به عنوان یک آفت و آسیب در احادیث به حساب می آید با ذکر نمونه هایی مورد بررسی قرار می گیرد.
- ۲- تصحیف: یکی از آسیب های مهم می باشد که متأسفانه عمدا یا سهوا به روایات و احادیث تفسیری تسری یافته است و در این تحقیق با مراجعه به منابع مهم حدیثی و تفسیری و با آوردن شاهد مثال هایی و با استفاده از منابع مختلف این مساله را به صورت کمی و کیفی مورد تحقیق و بررسی قرار می دهیم.
- ۳- تحریف: در این تحقیق سعی می شود که با استخراج نمونه هایی از موارد و الفاظ تحریف شده که وارد در منابع حدیثی و تفسیری شیعه گردیده است را بصورت فقه الحدیثی مورد مطالعه قرارداد و به استخراج موارد تحریف شده پرداخته آنگاه به روش نقد و نظر و با توجه به داده های مورد نظر مطالب را تجزیه و تحلیل می کنیم.

۲-۲- معانی لغوی و اصطلاحی تصحیف و تحریف

از اصطلاحات علم درایه و حدیث شناسی. تصحیف در لغت به معنای خطا در صحیفه و تحریف به معنای منحرف ساختن است (جوهری، ذیل «صحف»؛ ابن منظور؛ مرتضی زبیدی، ذیل «حرف» و «صحف») در کتب درایه برای این دو واژه معناهای مختلفی ذکر شده است. برخی آن دو را به یک معنا گرفته اند (طنّاحی، ۱۴۰۵: ۲۸۷؛ فضلی، ۱۴۱۶: ۱۸۰؛ مامقانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۲۳)

ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۴ الف، ص ۹۴) کاربرد هر دو را در جایی دانسته که صورت خط در سیاق لفظ حفظ شده باشد با این تفاوت که مواردی را که عامل تغییر واژه، اشتباه در نقطه گذاری باشد، تصحیف و مواردی را که عامل این تغییر، دگرگونی حرکات و سکنات (شکّل) باشد، تحریف خوانده است (قاری، ۱۴۱۵: ۴۸۹؛ فضلی، همانجا) برخی نیز در تحریف برخلاف تصحیف فاسدبودن انگیزه را شرط دانسته اند (مامقانی، ۱۴۱۳، ج ۵، به نقل از استرآبادی) به نظر می رسد که با توجه به معنای لغوی و استعمالات این دو واژه نزد قدما، تحریف اعم از تصحیف است و هر گونه تغییر در کلام را شامل می گردد (طنّاحی، ۱۴۰۵: ۲۸۷؛ میرداماد، ۱۴۰۵: ۱۳۲) اما تصحیف تنها قسمی از تحریف است که در آن تغییر واژه از یکسانی یا شباهت لفظی یا کتبی دو کلمه ناشی می شود (فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۲۰، ذیل «صحف»؛ نیز ر.ک. حمزه اصفهانی، ۱۳۸۸، ۲۶-۲۷؛ متنبی، ص ۴۸۱؛ عسکری، ۱۴۰۸، ص ۱، ۸، ۷، ۸۸، ۱۰۵، ۱۱۶؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۱، ۲۱۰، ۴۶۴، ۴۶۷)

به طور کلی، تصحیف را به تصحیف لفظی و تصحیف معنوی تقسیم کرده اند (میرداماد، ۱۴۰۵: ۱۳۴، ۱۳۶) اما برخی دیگر عنوان تصحیف را برای اشتباهات معنوی مناسب ندیده و به جای آن لفظ «غلط» را پیشنهاد کرده اند (سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۱) شاید به همین سبب، ابن صلاح (ص ۲۵۶) استعمال کلمه مصحف را در برخی اقسام آن مجاز دانسته است. به نظر می رسد که می توان اشتباهات معنوی را از اقسام تحریف و نه تصحیف به شمار آورد و آن را در قسم تبدیل به کلمه غیرمشابه جای داد (میرداماد، ۱۴۰۵: ۱۳۶)

«تصحیف» در لغت به معنای خطا کردن در خواندن و نوشتن بر اثر شباهت حروف، تغییر کلمه با کم یا زیاد کردن نقطه های آن است^۷ و «مُصَحَّف» کلمه و یا عبارتی است که هنگام نوشتن یا خواندن تغییر داده باشد؛ مثل «عبد» و «عید». در اصطلاح حدیث پژوهان، حدیث «مُصَحَّف» حدیثی است که قسمتی از سند یا متن آن به طور سهوی به کلمه یا عبارت مشابه آن تغییر یافته باشد. (عاملی (شهید ثانی)، الرعاية فی علم الدراية، ص ۱۱۰؛ بهایی عاملی، الوجیزة، ص ۵؛ محمد جعفر استرآبادی، لب اللباب (میراث حدیث شیعه، دفتر دوم)، ص ۴۵۶؛ کنی، توضیح المقال فی علم الرجال، ص ۲۷۹؛ صدر، نهایة الدراية، ص ۳۰۴؛ مامقانی، مقیاس الهدایه، ج ۱، ص ۲۳۷). این امر گاهی در سند و گاه در متن رخ می دهد. برخی «مُحَرَّف» را به «مُصَحَّف» هم اطلاق نموده اند (کنی، توضیح المقال فی علم الرجال، ص ۲۸۰؛ مامقانی، مستدرکات مقباس الهدایة فی علم الدراية، ج ۵، ص ۲۲۳). و برخی به حق، میان این دو تفاوت قائلند؛ (مامقانی، مقیاس الهدایة، ج ۱، ص ۲۴۳). چرا که در روایتِ مُحَرَّف، شخص تحریف کننده، قصد تحریف و تبدیل دارد؛ ولی در تصحیف، قصد تغییر نداشته است. بنابراین هرگاه تغییری در روایات ملاحظه شد و شواهدی بر تغییر عمدی آنها وجود نداشته باشد، آن را بر تصحیف حمل می کنیم و در صورتی که شواهدی بر جعلی بودن و تغییر عمدی روایات باشد، آن را محرف می دانیم.

۳- روش تحقیق :

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، روش اسنادی و از طریق مطالعه مراجع و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۴- یافته ها:

۴-۱- واکاوی مفاهیم اصلی علوم حدیث

۴-۱-۱- قلب

«قلب»، در لغت، به معنای «وارونه کاری و جا به جا کردن» است (العین، ج ۵ ص ۱۷۱) و «حدیث مقلوب»، نزد متأخران، به معنای ذیل است: حدیثی که بخشی از سند یا متنش، با بخش دیگری از خود آن - و نه با چیزی خارج آن دو - جا به جا شده باشد^۸. این تعریف، تفاوت قلب با تصحیف و تحریف را نشان می دهد. در تحریف، چیزی به حدیث می افزایند، یا از آن می کاهند و در تصحیف نیز، بیشتر، تغییر شکلی و آوایی در کلمه رخ می دهد؛ اما در قلب، کلمه ای کاسته، یا افزوده نمی شود، بلکه جا به جایی درونی واژه هاست که گاه تغییر شکلی نیز به همراه ندارد. قلب (=جایجایی) را می توان چهار نوع دانست: قلب حرف، قلب کلمه، قلب عبارت و قلب صفحه. قلب حرف و کلمه معمولاً از معکوس خواندن عبارت یا اشتباه ذهن در املاي درونی یا نافرمانی قلم

^۷ - فیومی می نویسد: «التَّصْحِيفُ تَغْيِيرُ اللَّفْظِ حَتَّى يَتَغَيَّرَ الْمَعْنَى الْمُرَادُ مِنَ الْمَوْضِعِ وَأَصْلُهُ الْخَطَأُ يُقَالُ «صَحَفَهُ فَتَّصَحَفَ» أَي غَيَّرَهُ فَتَغَيَّرَ حَتَّى التَّبَسُّ». (فیومی، المصباح المنیر، ص ۳۳۴؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۷۸؛ فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۱۲۰؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۸۷)

^۸ - «مَا قَلِبَ بَعْضُ مَا فِي سِنْدِهِ أَوْ مَتْنِهِ إِلَى بَعْضٍ آخَرَ مِمَّا فِيهِ، لَا إِلَى الْخَارِجِ عَنْهُمَا» (مامقانی مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۳۹۱)

هنگام نگارش ناشی می شود. قلب عبارت غالباً از افتادگی عبارت از متن و سپس درج نادرست آن در قبل یا بعد از موضع خود ناشی می شود طباطبائی یزدی، ج ۳، ص ۲۴۵ و حاشیه حکیم. قلب صفحه نیز از جابجایی اوراق نسخه خطی و توجه نکردن ناسخ بعدی به این امر ناشی می گردد (برگشترسر، ۱۹۶۹: ۲۲) که گاه موجب در هم آمیختن دو باب می شود، مثل باب اصحاب الکاظم و باب اصحاب الرضا در رجال برقی شبیری، ۱۳۷۰ش، ص ۱۹۹-۲۰۴. جابجایی اوراق بیشتر در مواردی رخ می دهد که ورقه ارتباط روشنی با قبل و بعد خود ندارد. حدیث مقلوب، با توجه به مکان وقوع قلب در حدیث، به دو قسم «مقلوب متنی» و «مقلوب سندی» تقسیم می شود. نمونه قلب متن، جا به جایی دو کلمه «العثار» و «النَّفَار» در این حدیث است:

إِضْرِبُوهَا عَلَى النَّفَارِ وَلَا تَضْرِبُوهَا عَلَى الْعِثَارِ (کلینی، الکافی: ج ۶ ص ۵۳۸ ح ۷) آنها را بر فرار کردن، بزیند؛ ولی بر لغزیدن، نزنید.

شیخ صدوق، این حدیث را این گونه گزارش کرده است: «إِضْرِبُوهَا عَلَى الْعِثَارِ وَلَا تَضْرِبُوهَا عَلَى النَّفَارِ»، (من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۸۶ ح ۲۴۶۷) که ظاهراً نقل شیخ صدوق، مقلوب و نقل کلینی، درست است^۹

۴-۱-۲-تبدیل

تبدیل به کلمه غیرمشابه بیشتر در کلمات متقابل و بر اثر تداعی معانی (انعکاس شرطی) رخ می دهد (تستری، ۱۳۹۰، ص ۵۹؛ همو، ۱۳۹۶، ص ۱۱۱؛ همو، ۱۳۵۹ش، ص ۱۵۲) یکی از مصادیق کلمات متقابل، متضادها است؛ مثلاً یک راوی مبعث پیامبر اکرم یعنی ۲۷ رجب (سه روز مانده به پایان رجب) را سوم رجب (سه روز پس از آغاز رجب) نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ص ۸۳؛ همو، ۱۳۹۶، ص ۲۰) از ترکیب اقسام گوناگون تحریف، اقسام جدیدی پدید می آید که می توان نمونه هایی از آنها را در ضمن اقسام حدیث در کتب درایه جستجو کرد ابن صلاح، ص ۸۱ به بعد نمونه ای از تحریف ترکیبی، که از تصحیف و نقل به معنا ناشی شده از جاحظ نقل شده است. او البتّی را که به النّبّیّ تصحیف شده با نقل به معنا به رسول الله تبدیل کرده است رجوع کنید به ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۸؛ حمزه اصفهانی، ص ۹۱؛ قس طنّاحی، ص ۲۹۴-۲۹۶. تصحیف و تحریف متن ممکن است در چند مرحله نسخه برداری پی در پی رخ دهد جاحظ، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۹.

تحریف در متون و اسناد تاریخی به ویژه در متون دینی که منبع استخراج احکام و معارف دینی است، دشواری های بسیاری ایجاد می کند. این امر گاه باعث می شود که پیروان مذاهب گوناگون با استناد به آن به نفع مذهب خود بهره برداری کنند برای نمونه رجوع کنید به نجاشی، ص ۴۴۰؛ قهپایی، ج ۳، ص ۱۵۷ به نقل از ابن غضایری؛ تستری، ۱۳۹۰، ص ۱۰؛ حتی فرزند خدا دانستن حضرت عیسی به تصحیفی در انجیل مستند شده است طنّاحی، ص ۲۸۵-۲۸۶؛ برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به تحریف، بخش اول. سرزدن تصحیف از دانشمندان و افراد با نفوذ جامعه در مواردی موجب رسوایی آنها و هجوشدن ایشان گردیده است حمزه اصفهانی، ص ۱۳-۱؛ عسکری، ۱۳۸۳، ص ۱۸-۲۶؛ همو، ۱۴۰۸، ص ۷؛ همو، ۱۴۰۶، ص ۳۵.

^۹- برای آگاهی از دو نمونه دیگر، ر. ک: الکافی: ج ۲ ص ۹۸ ح ۲۵ و ج ۷ ص ۴۳، ح ۱ و ۲.

محدثان، در تعریف تقطیع گفته اند: تقطیع حدیث، یعنی بخش بندی حدیث به ابواب و موضوعات درخور و مناسب با [محتوای آن، برای احتجاج بهتر، به شرط توجه به حفظ معنای بخش تقطیع شده پیش از تقطیع^۱

بر این اساس، تقطیع، همیشه نادرست نیست؛ بلکه گاه سودمند و در متون طولانی لازم است؛ اما اگر دقیق صورت نگیرد، می تواند آثار زیان باری به دنبال آورد. در تقطیع، ممکن است بخشی از قرینه ها در صدر و خاتمه حدیث، حذف شوند و اجزای مؤثر متن از میان بروند. شیخ طوسی، به تقطیع های نادرست برخی اصحاب پیامبر (ص) اشاره کرده (عدّه الأصول: ج ۱ ص ۹۵) و نمونه ای در باره شوم بودن خانه و مرکب و زن، آورده است که بر اثر تقطیع سخن پیامبر (ص) به ایشان منسوب شده است.

یک نمونه ساده، متن «أولُ مَنْ كَاتَبَ لِقَمَانُ» است که «کاتب» در آن به نامه نگاری معنا شده، در حالی که متن کامل حدیث می فهماند که به معنای «مکاتبه»، یعنی «بستن پیمان میان بنده و اربابش» بوده است:

الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علی(ع): أولُ مَنْ كَاتَبَ لِقَمَانِ الْحَكِيمِ وَكَانَ عَبْدًا حَبْشِيًّا (الجعفریات: ص ۲۴۱) امام صادق(ع) از پدرانش از امام علی(ع) روایت می کند که فرمود: «نخستین کسی که [برای آزادی از بردگی] قرارداد نوشت، لقمان حکیم است. او برده ای حبشی بود.»

۴-۱-۴- نقل معنا

«نقل معنا»، یعنی نقل محتوای یک خبر، بدون اصرار بر واژه ها و تعابیر آن. این شیوه، در نقل شفاهی رایج بوده و در نقل کتبی نیز هنگام نقل قول غیر مستقیم، به کار می رود. امامان ما، بر این شیوه عقلایی تأیید داشته اند؛ اما شرط کرده اند که تفاوت واژه ها، به تفاوت معنا نینجامد. از این رو، نقل معنا نزد راویان شیعی، به صورت یک شیوه مقبول در آمده است. شیخ طوسی، از کاربرد این روش، خبر داده و آسیب هایی را نیز برای آن بر شمرده است (عدّه الأصول: ج ۱ ص ۹۵) آیت الله بروجردی رحمه الله نیز نقل معنا را امری شایع دانسته است (البدر الزاهر: ص ۱۸۵. نیز، ر. ک: کتاب الأحادیث المقلوبه و جواباتها: ص ۳۱)

پذیرش این شیوه، نتیجه می دهد که نمی توان به سادگی، همه گزارش ها را دقیق و عین سخن امام(ع) دانست و همه جزئیات و ریزه کاری های متن را پیش از جستجو و مشابه یابی، معتبر خواند. این، به معنای نادقیق یا بی اعتبار بودن همه متون نیست؛ زیرا

^۱ - «هو تفریق الحدیث علی الأبواب اللائقة به، للإحتجاج المناسب، مع مراعاة ما سبق من تمامیه معنی المقطوع.» (معجم مصطلحات الرجال و الدرایه: ص ۴۱ - ۴۲)

^{۱۱} - شیخ کلینی، بابی را در الکافی، به این موضوع، اختصاص داده است الکافی: ج ۱ ص ۵۱.

ممکن است دست کم، یکی از روایت‌ها، اصل الفاظ را به صورت دقیق، نقل کرده باشد. بر این پایه، باید میان تفاوت و تعارض نقل‌ها، تفاوت نهاد، بدین معنا که همه نقل‌های هم‌مضمون، در صورت متعارض نبودن با یکدیگر، معتبر می‌مانند و لازم نیست تنها بخش تکرار شده و قدر مشترک آنها را معتبر و حجت دانست و بخش‌های تکرار نشده و ویژه هر نقل را همیشه نادرست دانست و آنها را کنار افکند؛ زیرا فرض این است که راوی، تغییری در معنای آن نداده و گزینش واژه‌ها برای همان معنا بوده و عبارت جدید را با توجه به متن و در راستای انتقال دقیق معنا، ساخته و پرداخته است.

۴-۲- منابع تصحیف و تحریف

منابع مربوط به این بحث به چند دسته تقسیم می‌شوند:

منابع اختصاصی که در نام کتاب نیز از واژه تصحیف و مشتقات آن بهره گرفته‌اند. نخستین کتاب با این ویژگی التنبیه علی حدوث التصحیف تألیف حمزه اصفهانی (متوفی ۳۶۰) است که اسحاق بن احمد صفار بر آن ردیه نوشته است (یاقوت حموی، ج ۶، ص ۶۹) حسن بن عبدالله عسکری (متوفی ۳۸۲)، دو کتاب شرح مایع فیہ التصحیف والتحریر و تصحیفات المحدثین و رساله کوچکی با نام اخبار المصحفین نگاشت. میرداماد (متوفی ۱۰۴۱) نیز رساله‌ای با نام التصحیفات نگاشته است (آقا بزرگ تهرانی، ج ۴، ص ۱۹۵) از صفدی کتابی با نام تصحیح التصحیف و تحریرالتحریر در دست است که از شماری از کتب پیشینیان جمع‌آوری شده (رجوع کنید به ص ۶۴)، این کتاب و اکثر مآخذ آن بیشتر منابع اغلاط مشهور (=لحن العامه) می‌باشند که غالباً از تطور زبان حکایت می‌کنند و نمی‌توان آنها را غلط و تصحیف و تحریف خواند (صفدی، مقدمه رمضان عبدالتواب، ص ۵)

دسته دیگر از منابع تصحیف، کتب ضبط اسمای متشابه‌اند (قیسی دمشقی، ج ۱، مقدمه عرقسوسی، ص ۱۷-۴۹) این کتب اقسام مختلفی دارند: تمامی نامهای اشخاص را ذکر می‌کنند، همچون المرجوع کنید به تلف و المختلف از دارقطنی (متوفی ۳۸۵)، الاکمال فی رفع الاریاب عن الاسماء والکنی والانساب از ابن ماکولا (متوفی ۴۷۵)، ایضاح الاشتباه از علامه حلی (متوفی ۷۲۶) والمرجوع کنید بهتلف والمختلف فی اسماء الشعراء وکُنَاهم والقابهم و انسابهم از آمدی (متوفی ۳۷۰)؛ برخی به ضبط نامهای قبیله‌ها توجه دارند، همچون مختلف القبائل و مرجوع کنید بهتلفها از محمد بن حبيب (متوفی ۲۴۵)؛ و برخی دیگر اماکن جغرافیایی را ضبط کرده‌اند همچون معجم مااستعجم اثر بکری (متوفی ۴۸۷) والمتفق وضعاً والمفترق صقلاً نوشته یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶) خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳) آثار بسیاری در گونه‌های مختلف تحریف نگاشته است همچون تلخیص المتشابه، تالی التلخیص، کتاب المتفق والمفترق و تکملة آن، رافع الاریاب فی المقلوب من الاسماء والانساب (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ الف، ج ۱، مقدمه عطا، ص ۱۸).

دسته دیگر از منابع تحریف، کتب درایه الحدیث می‌باشند که در لابلاهای آنها به ویژه در ذیل اقسام حدیث بحث‌های نظری و گاه تطبیقی گونه‌های مختلف تحریف دیده می‌شود. از قدیمترین این کتب المحدث الفاصل نگاشته قاضی رامهرمزی (متوفی ۳۶۰) است. از کتابهای شیعی که به بحث تحریف توجه ویژه دارد، الرواشح السماویة تألیف میرداماد (متوفی ۱۰۴۱) می‌باشد. کتبی که به بحث درباره روش تصحیح و تحقیق کتب می‌پردازند، غالباً این بحث را دنبال کرده‌اند به ویژه کتاب اصول تحقیق التراث از عبدالهادی فضلی، تحقیق النصوص و نشرها و تجربتی مع التراث العربی هر دو از عبدالسلام محمدهارون، محاضرة عن التصحیف والتحریر از محمود محمد الطنّاحی و کتاب فارسی نقد و تصحیح متون از نجیب مایل هروی (رجوع کنید به عسیلان، ۱۴۱۵:

ص ۳۱۹-۳۲۲)

دسته دیگر از منابع تحریف، کتبی هستند که بخش مستقلی را به این امر اختصاص داده اند، مانند الاخبار الدخیله از رجالی نامور معاصر شیخ محمدتقی تستری، معجم رجال الحدیث از آیت الله خویی، بخش «اختلاف الکتب» و «اختلاف النسخ» دسته دیگر کتابهایی هستند که برای برطرف ساختن تحریف، اسناد و راویان را فهرست کرده اند، همچون جامع الرواة اردبیلی و معجم رجال الحدیث، آثار رجالی آیت الله حاج آقا حسین بروجردی و آثار خطی آیت الله شبیری زنجانی با دو سبک ترتیب اسانید و طبقه راویان با عنایت به راوی و مروی عنه .

برخی از کتب نیز به موضوع تحریفات اهتمام ویژه داشته اند، همچون منتقى الجمان نگاشته حسن بن زین الدین (متوفی ۱۰۱۱)، قاموس الرجال والنَّجعة فی شرح اللمعة هر دو از شیخ محمدتقی تستری. قزوینی نیز در یادداشت هایش با عنوان «تصحیف» (ج ۱۰، ص ۳-۲۱) مواردی از تصحیفات فقها و محدثان و ارباب لغت را ثبت کرده است . از جمله منابع متفرقه راجع به این موضوع، کتابهای تاریخی، جغرافیایی، حدیثی و لغوی اند. در مباحث نقد ادبی نیز بخشی به تصحیف اختصاص یافته است .

۴-۳- تصحیف در روایات

یکی از آفات متن و سند حدیث، تصحیف است و به این نوع حدیث «مُصَحَّف» گویند. احتمال راهیابی تصحیف در هر متنی بدیهی است. روایات نیز از این امر مستثنا نیستند. روشن است که اندک تغییر در حرکات، حروف، کلمات و عبارات، فهم مقصود متکلم را با مشکل مواجه خواهد کرد و یا موجب انحراف در فهم آن خواهد شد؛ از این رو، برای فقیهان و محدثان، شناخت احادیث محرّف و مصحّف ضروری است، گرچه تصحیف شناسی فنی بسیار سخت، پرمخاطره و مهم است که تنها عالمان تیزبین، حاذق و نقادند که سنگینی این بار را بر دوش می کشند.^{۱۲}

برخی معاصران این امر را پیش نیاز فهم حدیث و اولین گام برای آن معرفی نموده اند تا معلوم شود، آیا متن حدیث به همین گونه از معصوم علیه السلام رسیده است یا تصحیفی در کتابت یا در قرائت آن رخ داده است. (مسعودی، روش فهم حدیث، ص ۶۰).

بزرگانی مانند میرزای قمی رحمه الله از کثرت وقوع تصحیف در روایات یاد کرده اند. (قمی، القوانین المحکمه، ج ۱، ص ۴۸۷). نویسنده حدائق نسبت به تهذیب شیخ طوسی رحمه الله می گوید: «ما وَقَعَ لَهُ مِنَ التَّحْرِيفِ وَ التَّصْحِيفِ مِمَّا لَا يُعَدُّ وَ لَا يُحْصَى». (بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۷۶؛ و ص ۱۲۰؛ ج ۴، ص ۲۰۹؛ ج ۱۵، ص ۴۶۲؛ کلباسی، الرسائل الرجالیه، ج ۴، ص ۱۹۶؛ یوسف بحرانی، لؤلؤة البحرين، صص ۶۵ و ۲۹۶) نیز در جای دیگری می نویسد: هر کس به تهذیب شیخ مراجعه کند و در روایات آن دقت ورزد، تصحیف و تحریف موجود در سند و متن اخبار آن را ملاحظه خواهد نمود. کمتر حدیثی از تهذیب پیدا می شود که از علت و اختلال در سند یا متن خالی باشد!^{۱۳}

^{۱۲} - حسین بن عبدالصمد عاملی، وصول الأخبار الی أصول الاخبار، ص ۱۱۹: «و من المهم أيضا على الفقيه و المحدث معرفة المصحف و المحرف و قل أن يتنبه له إلا الحدائق».

^{۱۳} - یوسف بحرانی، الحدائق الناظره، ج ۳، ص ۱۵۶: «و فيه أنه لا يخفى على من راجع التهذيب و تدبر أخباره ما وقع للشيخ رحمه الله من التحريف و التصحيف في الأخبار سندا و متنا و قلما يخلو حدیث من أحاديثه من علة في سند أو متن، و أما فتواه رحمه الله فالكلام فيها أظهر من أن يخفى على من مارس الفن، و الترجيح بهذه القاعدة في جانبه رواية الكافي أظهر، و يعضده أن في الذكرى نقل أنه وجد الرواية في كثير من نسخ التهذيب كما في الكافي، و في المدارك عن ظاهر كلام ابن طاووس أن نسخ التهذيب القديمة كلها موافقة له أيضا و به يظهر ترجيحها»

وحید بهبهانی می نویسد: «مع أنا رأينا كثيراً ما وَقَعَ في أخبارنا تقديمٌ و تأخيرٌ و سقطٌ و اشتباهٌ و تحريفٌ و تصحيفٌ... إلى غير ذلك». (بهبهانی، مصابیح الظلام، ج ۱، ص ۱۴). در جای دیگری می گوید: «و أيضاً ربما سَقَطَ مِنَ الروایةِ شیءٌ، او وقع تصحیفٌ، أو تحریفٌ، أو زیادةٌ، أو تقدیمٌ، أو تأخیرٌ، او غیرُ ذلك بل وقعت فی کثیرٍ من أخبارنا، كما لا یخفی علی المَطَّلَعِ». (بهبهانی، الفوائد الحائریه، ص ۱۱۹).

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

۱- احادیث پیامبر و ائمه معصومین در سیر تاریخی پر فراز و نشیب خود دست خوش تغییر، تحریف، تصحیف و نقل به معنا شده است این آسیبها در زمان خود پیامبر به علت اهتمام پیامبر و مسلمانان کمتر رواج داشته است.

۲- پس از رحلت آن حضرت با رسمی شدن ممنوعیت نگارش حدیث در قرن نخست و شفاهی شدن نقل روایت بسیاری از روایات پیامبر از بین رفت؛ زیرا نوشته ها سوزانده شدند و حافظه حافظان قدرت به خاطر سپردن همه روایات را نداشت؛ لذا روایات به تدریج به دست فراموشی سپرده می شد و با مرگ حاملان حدیث این روند بیشتر شد.

۳- رواج جعل حدیث توسط معاویه (علیه الهاویه) و بنی امیه پس از شهادت امام علی (ع) که به قصد مبارزه با فضایل علی (ع) انجام گرفت، خود زخمی عمیق بر پیکره روایات وارد آورد، علاوه بر آن زمینه را برای رواج دوباره اسرائیلیات و تحریف الفاظ و معانی کلمات حدیث و نیز تصحیفات از سوی محدثین درباری و ارتزاقی چون ابوهریره و کعب الاحبار و ابن ابی العوجاء که معاویه آنها را استخدام کرده بود، روند تسریع بخشیدن به این آفات سوگمندانه بیشتر فراهم شد.

۴- از جمله عوامل و انگیزه های سیاسی که در بوجود آمدن تصحیف و تحریف تاثیر گذار بوده است، را میتوان به: عوام فریبی، ریاست طلبی، مقام و ثروت، تبلیغات پوچ و بی اساس، تعصب مذهبی ناسخان و اعمال سلیقه آنان، کسالت، تساهل و بی دقتی آنها، اشاره نمود.

۵- همچنین عواملی چون: دست به دست شدن کتاب های روایی و نسخه برداری از نسخه های دیگر و استنساخ کتابها به دست افراد نا آشنا به دانش حدیث، خستگی و بی دقتی راوی یا نسخه بردار، ذهنیات راوی یا انس زیاد او با یک واژه و در هم ریختگی برخی خطها، شباهتهای زیاد حروف با یکدیگر، غلطهای رسم الخطی و ناخوانا بودن برخی دیگر، موجب شد که تصحیف نوشتاری افزایش پیدا کند.

منابع:

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم.
- احسانی، محمد (۱۳۸۷)، «روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن»، مجله قرآن و علم، شماره ۳/
- استادی، رضا (۱۳۷۷)، آشنایی با تفاسیر قرآن مجید و مفسران، قم: مؤسسه در راه حق.
- اسعدی، محمد و جمعی از محققان؛ آسیب شناسی جریان های تفسیری؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.
- امین الخولی؛ ماده تأویل، دائرة المعارف الاسلامیه؛ بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- انوشه و همکاران، حسن (۱۳۶۹)، فرهنگ زندگی نامه ها، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

- انوشه، حسن (۱۳۷۶)، دانشنامه ادب فارسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اوسی، علی؛ روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان؛ ترجمه سید حسین میرجلیلی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱ش.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۷۸)، شناخت‌نامه تفاسیر، رشت: کتاب مبین.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۰)، فقه پژوهی قرآنی درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام، قم: بوستان کتاب.
- ایروانی، جواد (۱۳۸۶). «نقد اسرائیلیات از دیدگاه آیت‌الله معرفت»، مجله حقوق، شماره ۲۶.
- بابایی، علی اکبر؛ مکاتب تفسیری؛ قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ ش.
- بابایی، علی اکبر، غلامعلی عزیزی‌کیا و مجتبی روحانی‌راد (۱۳۷۹)، روش‌شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر محمود رجبی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- تبریزی، محمد حسین بن خلف (۱۳۶۱)، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، «ضرورت روش»، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۱۳ و ۱۴/
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۶۸). «بعد فقهی و اجتهادی طبری»، مجله کیهان اندیشه (فلسفه و کلام)، شماره ۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۴)، نزاهت قرآن از تحریف؛ تحقیق علی نصیری، چ ۲، قم: اسراء.
- جوادی، سعید (۱۳۸۱)، «معرفی تسنیم، تفسیر قرآن کریم»، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۱۱/
- حدادیان، عبدالرضا، (۱۳۸۷)، بررسی روایات تحریف در کتب کافی و تفسیر عیاشی؛ پایان نامه، کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران: دوستان.
- خسروپناه، عبدالحسین و مهدی مهدوی پارسا (۱۳۸۶)، «روش‌شناسی دین‌پژوهی»، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۲۹/
- خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۶)، «تفسیر اجتماعی قرآن و بیداری اسلامی»، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۳۰ و ۳۱/
- رازی ابوالفتح؛ روض الجنان؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- ربانی، محمد حسن، اصول و قواعد فقه الحدیث، قم، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.
- رجبی، محمود (۱۳۸۳)، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۱). ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۲.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲)، مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شاکر، محمدکاظم؛ روش‌های تأویل قرآن؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.
- شریف لاهیجی، بهاء‌الدین (قطب‌الدین) محمد بن‌شیخ علی الشریف اللاهیجی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث) و دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- شفیعی، علی (۱۳۸۷)، «روش‌شناسی تفسیر در مغرب اسلامی»، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۳۳/
- شهیدی، عبدالحسین؛ تفسیر و تفاسیر شیعه؛ دائرةالمعارف تشیع، تهران: نشر شهید محبی، ۱۳۷۹ ش.
- صرّامی؛ جایگاه قرآن در استنباط احکام؛ قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ طبری؛ تاریخ الرسل و الملوک، تهران: انتشارات اساطیر.
- طبری؛ جامع البیان؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
- العاملی، بهاء الدین، اربعین حدیث، ترجمه شمس الدین محمد خاتون آبادی، چاپ اول، بی جا، حکمت، ۱۳۶۸.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۱)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: انتشارات اسوه.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۴)، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (بی تا)، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ چهارم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تهران: چاپخانه علمیه.
- غفاری صفت، علی اکبر صانعی پور، محمد حسن، تلخیص مقباس الهدایه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، انتشارات دانشگاه (سمت)، ۱۳۸۴.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵)، اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی، چاپ دوم، قم: معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- فرامرز قراملکی، احد و عذرا شالباف (۱۳۸۶)، تدوین پایان‌نامه شیوه‌ها و مهارت‌ها، قم: معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- قرائتی، محسن؛ ۱۳۸۳، تفسیر نور؛ چ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). (تفسیر قمی، بی جا: بی نا.
- گلدزیهر، ایگناس (۱۳۸۳)، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه طباطبایی، تهران: ققنوس.
- محمدی، رمضان (۱۳۸۲)، «علامه سید مرتضی عسکری و نقد متون تاریخی»، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۱۳ و ۱۴.
- مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۸۶)، آیات الاحکام، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- موسوی بجنوردی و رحیم‌لو، کاظم و یوسف (۱۳۷۰)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۰)، روش‌های تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم (انتشارات اشراق).
- مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۵). روش‌های تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه قم.
- مؤدب، سیدرضا، (۱۳۸۸)، مبانی تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه قم.
- نادری، رسول (۱۳۸۹)، «چیستی و جایگاه روش‌شناسین»، مجله راه دانش، شماره اول.
- نعناعه، رمزی (۱۹۷۰) اسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر، دمشق: دار القلم.
- نفیسی، علی اکبر (۲۵۳۵)، فرهنگ نفیسی (ناظم الأطبا)، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۶)، روش تحقیق با تکیه بر علوم اسلامی، چاپ چهارم، قم: انتشارات دانشگاه قم.

- ابن ابی حاتم رازی؛ تفسیر القرآن العظیم؛ مکة المكرمة: مكتبة نزار الباز، ١٤١٧ ق.
- ابن جوزی؛ زاد المسیر؛ بیروت: المكتبة الاسلامی، ١٤٠٧ ق.
- ابن العماد، ابوالفلاح؛ شذرات الذهب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بیتا.
- ابن حجر، عسقلانی (١٤٩٤)، الدرر الكامنه فی اعیان المائه الثامنه، بیروت: دارالجيل.
- ابن حجر؛ تهذیب التهذیب؛ بیروت: دار الفكر، ١٤٠٤ ق.
- ابن خلدون؛ مقدمه؛ بیروت: دار الکتب العربی، ١٤٢٥ ق.
- ابن سعد؛ الطبقات الکبری؛ بیروت: دار صادر، بیتا.
- ابن شهبه؛ الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر؛ قاهره: مكتبة السنه، ١٤٠٨ ق.
- ابن طاووس؛ سعد السعود؛ قم: بوستان کتاب، ١٤١٢ ق.
- ابن عاشور؛ تفسیر التحریر و التنویر؛ بیروت: مؤسسه التاريخ، ١٤٢٠ ق.
- ابن عبدالبر؛ جامع بیان العلم و فضله؛ بیروت: مؤسسه الريان و دار ابن حزم، ١٤٢٤ ق.
- ابن عطیه؛ المحرر الوجیز؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ٢٠٠٧ م.
- ابن قتیبه؛ تأویل مختلف الحدیث؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، بیتا.
- ابن کثیر، بی تا. البدايه و النهايه، لبنان: دارالفکر.
- ابن کثیر؛ البدايه و النهايه؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٨ ق.
- ابن کثیر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: دار المعرفه، ١٤١٥ ق.
- ابن العماد حنبلی، ابی فلاح عبدالحی (بی تا). شذرات الذهب فی اخبار من الذهب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ابن بابویه قمی، محمدبن علی (١٤١٣)، من لا یحضر الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حسکان قرشی، ابوالقاسم عبیدالله (١٤١١). شواهد التنزیل لقواعد التفصیل فی الايات النازلہ فی اهل بیت صلوات الله وسلامه، تهران: موسسه چاپ و نشر وابسته به فرهنگ و ارشاد.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (١٤١٩)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (١٤١٤)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.